

حقیقت و مراتب توبه در عرفان و نهج البلاغه

خسرو ظفرنوائی^۱

چکیده:

معنای واژه توبه تا آنجا که از فرهنگهای زبان پارسی برمی آید دست کشیدن از گناه، بازگشتن بر طریق حق، پشیمان شدن از گناه است. توبه در تعالیم و اندیشه های دینی و عرفانی نقش و جایگاهی والا دارد، کمتر محدث یا مولفی می توان یافت که در زمینه عرفان دینی مطلبی نگاشته باشد و فرازهایی از نقل و یا تالیف خود را به این مبحث اختصاص نداده باشد، آثار توبه نه تنها در بعد فردی بلکه در بعد اجتماعی نیز قابل توجه است.

در این مقاله پس از جمع بندی و بررسی مفاهیم کلیدی و همچنین بررسی آثار توبه در نگاه عرفا و بزرگان دین به این مقوله، انطباق اساسی بین نظر عرفا و انبیاء الهی رصد شد که بیانگر این مفهوم است که دستاوردهای کاوشگران مفهوم توبه در طول تاریخ تا چه اندازه از آبخور اصیل اسلامی و پایگاه روحانی وحی اتصال دارد و سوء تفاهماتی که در این مقوله به وجود آمده و به نظراتی که عرفان ایرانی را به برخی از ادیان مانند منسوب منصوب می نمایند پاسخ داده می شود، لذا با در نظر گرفتن اهمیت جایگاه توبه، در این مقاله هم به صورت کلی و هم با تاکید بر احادیث مرتبط به جایگاه توبه در نهج البلاغه، تلاش شده است تصویر کامل تری از این معنا به دست آید.

واژگان کلیدی:

توبه، حقیقت توبه، مراتب توبه، جایگاه توبه، تشخیص گناه

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مقدمه :

یکی از مباحث مهم در عرفان عملی و مقامات العارفین توبه است. توبه گرچه در نظر مفسران، علمای علم اخلاق، متکلمان و محدثان از جایگاهی بلند و ارزشی والا برخوردار است اما عارفان و صوفیان توجه ای خاص و عنایتی ویژه به آن مبذول داشته اند. سیری اجمالی در آثار مشایخ بزرگ به وضوح نشانگر این معنی است. از آثار ارزشمند آنان چنین بدست می آید که تقریباً همه اینها توبه را از مهمترین مقامهای سالک راه حق می دانسته اند. بعنوان نمونه در آثار مختلف پیر هرات از کشف الاسرار گرفته، منازل السائرين و صد میدان و... این مطلب با اهمیت خاصی طرح شده است. محیی الدین عربی، چهره برجسته عرفان اسلامی باب مفصلی را در دایرة المعارف بزرگ خود محیی الدین عربی، الفتوحات المکیه، (بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا)، ج ۲، ص ۱۴۴-۱۳۹ به این امر اختصاص داده است .

جلال الدین محمد رومی علاوه بر پرداختن به این موضوع، توبه نصوح را بطور جالب، جامع و مشروح بیان نموده. شاعر بزرگ مشرق زمین، نجم الدین رازی در کتاب «مرصاد العباد» (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، چاپ دوم، ص ۲۵۵ و ۳۵۵) مباحث بسیار برجسته ای در باب این موضوع دارد، حافظ شیرازی موضوع توبه را به بهانه های گوناگون طرح و مورد بررسی قرار داده است، ابن فارض شبستری، نسفی، خواجه عبدالله انصاری و بسیاری دیگر به موضوع توبه به عنوان یک موضع کلیدی و موضوع قابل طرح در اندیشه های دینی و عرفانی پرداخته اند که همه نشان دهنده جایگاه والای توبه در اندیشه این بزرگان و هم در مفاهیم دینی و روحانی است.

و از همه مهمتر وقتی به قرآن مراجعه می نماییم، دیرینگی این مفهوم ما را به فکر وادار می دارد؛ گویی آغاز زندگی انسان بر روی کره خاکی باید با این معنا آغاز شود (فتلقی آدم من ربه کلمات فتاب علیه انه هو التواب الرحیم بقره: ۳۷)، فرستادگان بزرگ خداوند همانند ابراهیم، اسماعیل، (... و ارنا مناسکنا و تب علینا انک انت التواب الرحیم، بقره: ۱۲۸) یونس، موسی و پیامبر بزرگ اسلام - صلی الله علیه و آله - همواره در حال توبه

و در طلب توبه الهی بوده اند. امیرالمومنین علی ابن ابی طالب - علیه السلام - که همه شیعیان و صوفیان و عارفان به وجودش مباحث می ورزند و وی را مرشد مرشدان و... می دانند - و فرزندان معصومش - به خصوص امام زین العابدین - علیه السلام - رهنمودهایشان و خصوصا نیایشهایشان مملو از پرداختن به مفهوم توبه است و سلوک معنوی بسیاری از بزرگان عرفان مانند فضیل عیاض، رابعه، ابراهیم بن ادهم با توبه آغاز می گردد و بسیاری از عارفان بزرگ آن را نخستین گام سالک در راه سازندگی می دانند .

تفاسیری که بر قرآن کریم نگاشته شده نیز بر این مفهوم تاکید دارند تاملی اندک در تفاسیر گوناگون و همچنین تفاسیر عرفانی بیانگر این واقعیت است. علامه طباطبایی نیز افزون بر تفسیر این آیات بحث مفصلی در ذیل آیات ۱۷ و ۱۸ سوره توبه طرح فرموده است. محمد حسین طباطبایی، المیزان، (قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۴ ه. ق چاپ سوم، ص ۲۴۴ کلام فی التوبه) خواجه عبدالله انصاری نیز در تفسیر ارزشمند خود ذیل اکثر آیات توبه، در ابعاد گوناگون توبه سخن رانده است. علامه طباطبایی نیز افزون بر تفسیر این آیات بحث مفصلی در ذیل آیات ۱۷ و ۱۸ سوره توبه طرح نموده است. (محمد حسین طباطبایی، المیزان، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۴ ه. ق چاپ سوم، ص ۲۴۴ کلام فی التوبه)

قرآن کریم مملو از تأکیدی در این زمینه است، از دیدگاه قرآن هم که بی گمان از مهمترین منابع عرفان است، دهها آیه به این امر خطیر اختصاص داده شده است، واژه توبه و مشتقاتش نود و دو بار و «استغفار» و مشتقاتش بیش از چهل مرتبه در قرآن کریم آمده است. افزون بر اینکه در آیات متعدد و مختلف دیگر هم بدون ذکر از این واژه ها این مسئله مطرح شده است. اخبار و روایات بسیار زیادی نیز در اینباره وارد شده است که بی گمان مورد استفاده و استشهاد عرفا در این مبحث بوده است؛ مرحوم مجلسی مجموعه ای از این روایت را در «بحار الانوار» گرد آورده است. خواجه نصیر طوسی در تجرید نیز بخشی را به مفهوم توبه اختصاص داده است و شارحان کتاب وی هم مطلب را مورد شرح و تفصیل قرار داده اند از مجموع اینها نتیجه می گیریم که: توبه در عرفان، اخلاق قرآن،

حدیث و کلام از جایگاه والا و ارزش گرانقدری برخوردار است. در واقع توبه انقلاب است، انقلابی درون آغاز می گردد و تمام حیطه های حیات انسانی را در می نوردد و طرحی نو از او در می اندازد، جان انسان را به آزادی می رساند و رهسپار دیار جانان می نماید. لازم به گفتن نیست که از دیدگاه عارفان، گناه پرده ای است که مانع جان می شود و بر آن تسلط می یابد و رهرو راه حق باید درنخستین قدم این پرده را بدرد که خود گامی بزرگ است، گناه، طاغوت جان است و توبه طغیان بر علیه این طاغوت.

آتشی در درون باید که برپا شود هر آنچه از جنس غیر اوست بسوزاند.

طرح مسأله:

انسان از بدایت تا نهایت خویش در تلاطم بی پایانی که ناشی از اختیار اوست به سر می برد ظهور پیامبران الهی با در نظر گرفتن مفهوم اختیار است که قابل توضیح می شود، اما همین ظهور پیامبران الهی نشانه ای روشن است بر این موضوع که انسان مختار نیازمند ابزارهایی برای استفاده صحیح از امکانات، تواناییها و قوه ادراک، اراده و اندیشه خویش است، از همه اینها مهمتر وسوسه نیز همواره همراه و یاور انسان در این مسیر است، و بازهم دلیل دیگریست برای اثبات این موضوع که انسانها باید بتوانند راه را از چاه تشخیص دهند، با اینهمه دایره لطف الهی را پایانی نیست بنابراین روشن است به این نقطه ختم نمی شود بل وضعیتی در نظر گرفته می شود که اگر انسان تحت شرایطی و با در نظر گرفتن تمام امکانات خویش باز راه خطا پیمود چه باید بکند، اینجاست که توبه و نقش هستی ساز آن در زندگی انسانی به ظهور و بروز می رسد، اما توبه صرفا واژه ای نیست که در عالم نظر معناسازی شود و به حال خود رها باشد و باید پا به عرصه زندگی بگذارد این مقاله با تمرکز و طرح مسئله تشخیص گناه و درجات درونی و بیرونی توبه تلاش نموده است ضمن تبیین جایگاه توبه، توضیحی روشن برای این لطف خداوندی باشد.

مقام توبه

قَالَ آ... تَعَالَى : « مَنْ لَمْ يُتَبَّ فَأَوْلِيكَ هُمُ الظَّالِمُونَ » (حجرات/۱۱)

(خدای تعالی می فرماید: آن کسانی که توبه نکردند، پس ایشان ستم کارانند.)

نیایش و ستایش شایسته ذات وجودی است که وجودش قائم بخود و وجود دیگران موجود از وجود اوست.

اوست اول، اوست آخر، اوست ظاهر، اوست باطن

اول اوست، آخر اوست، ظاهر اوست، باطن اوست

از بهترین مباحث در عرفان اسلامی مقامات و منازل عرفاست. مقام در اصطلاح به پایگاه و اقامتگاه و شان و شوکت معنا می شود و در نزد عرفا مقام هر کس پس از حصول آداب و مبادی خاص و تحمّل ریاضت های لازم حاصل می گردد و اگر چنانچه شخصی در مقامی قرار گیرد و اعمال آن مقام را بجای نیاورد نمیتواند به مقامی دیگر ارتقاء یابد در واقع مقامات مراحل سیر و سلوک عارف و سالک می باشد که در آن بواسطه آداب خاص و تحمّل مشقّت به آن نائل می گردد. مقام مرحلی است که صوفی برای رسیدن به مقصود در طریقت از خلوت و ذکر قلبی و توجه به باطن و مداومت فکر در او اقامت میکند و پس از طی کردن آن مرحله به مقام بعدی می رسد مانند مقام صابرین، مقام شفاعت و غیره ...

بیرون زهمه کون درون دل ماست وز خلق جهان بیگم مقام منزل ماست

محنت همه در نهاد آب و گل ماست بیش از دل و گل چه بود آن حاصل ماست

(خواجه عبدالله انصاری، ص ۱۹)

عرفا با استفاده از آیه مبارکه «ما مِنَّا لِّلَّهِ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» (صافات/۱۶۴) هیچ یک از ما

فرشته ها نیست مگر آنکه او را در بندگی مقام معلولی است معنای مقام را تغییر نموده اند.

خواجه عبدا... انصاری در ذیل آیه فوق اشاره دارد که این آیه مبارکه بر لسان اهل

طریقت اشاره میکند به منازل و مکاشفات اهل ارباب حقیقت یکی در شکر و جد، یکی

در برق کشف، یکی در خیرت شهود، یکی در نور قرب، یکی در ولایت وجود (خواجه

عبدالله) در این باب نیز در ذیل آیه فوق گفته اند: مقام آدم توبه، از نوح زهد، از ابراهیم

تسلیم، از موسی انابت، از داود حزن از عیسی رجاء از یحیی خوف و از محمد (ص) ذکر

بوده است هر چند که هر یک را در محل آن سری بود اما آخر رجوعشان باز آن مقام اصلی بوده است. (کشف المحجوب، ص ۴۸۴)

از جمله بهترین شرایط صعود از یک مقام به مقام دیگر آن است که سالک اعمال آن مقام را به جای آورد و شرایط و حقوق آنرا استفاده کند.

چو باد عزم سر کوی یار خواهم کرد
نفس بیوی خوشش مشکبار خواهم کرد
توبه در لغت به معنای رجوع، رجوع بحق و بازگشت از خلاف امر حق به سوی پروردگار متعال است. توبه بازگشت از خطا به صواب است.

عبدالرزاق کاشانی می گوید: «توبه رجوع از مخالفت حکم حق است و مادام که مکلف حقیقت گناه را شناسد و نداند که فعلی که از او صادر می شود مخالف حکم خداست رجوع درباره او درست نیست.» (عبدالرزاق کاشانی، ص ۱۷۴)

توبه در اصطلاح شرح و پشیمانی از گناه و بازگشت از نافرمانی خدا و رجوع به حق و اصلاح عمل را توبه می گویند.

توبه در اصطلاح عرفا توجه به جانب حق و اعراضی از آنچه مانع رسیدن به محبوب قلبی است. در جایی دیگر توبه به انقلاب و تحول درونی در سالک و شروع یک حیات تازه تعبیر شده است.

عرفا توبه را به بیداری روح از بی خبری و غفلت می دانند که مبداء تحول و سرمنشاء تغییر راه سالک است. (غزالی، ص ۴۴)

«توبه رجوع به خدای تعالی برای گشودن گره امتناع از قلب و برخاستن به تمام حقوق پروردگار است.» (جرجانی، ص ۴۸)

بهر حال توبه یکی از بزرگترین ابواب رحمت الهی است اگر چنانچه باب توبه بسته بود هر آینه گناه و جرائم مجازات و کیفر خویش را در پی داشت در اینصورت دیگر امیدی برای انسان در بهره مندی از فیض و رحمت الهی باقی نمی ماند.

«امام سجاده (ع): «مَا عَذَرَ مَنْ اغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ» (مفاتیح الجنان، مناجات توابین) (آن کسی که پس از ستایش باب رحمت الهی، از ورود به آن غفلت ورزد، دیگر

عذری ندارد.)

در حدیثی دیگر از امام علی(ع) آمده است: «العَجَبُ مِمَّنْ يَقْنُطُ وَمَعَهُ النَّجَاهُ» (آمدی، ص ۵۸) (شگفت از کسی که از رحمت خداوند مایوس باشد حال آنکه رستگاری با اوست). جماعتی از حضرت پرسیدند که منظور از «النَّجَاهُ» چیست؟ حضرت فرمودند: التوبه و الاستغفار، باب توبه رحمت الهی است که بر اثر عنایات خداوند متعال بر روی بندگان گشوده می شود.

عرفا از آیه شریفه «مَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (حجرات/۱۱) (کسانی که توبه نکردند پس ایشان ستمکارانند). اینچنین تعبیر می کنند که چون علت خلاصی نفس آدمی از گناهان تنها از طریق توبه مقدور است تقصیر و کوتاهی در توبه نکردن ظلمی است که انسان به خودش میکند در واقع توبه ناکندگان به خودشان ستم می کنند از این آیه اشاره دارد که همه انسانها را به توبه دعوت می نماید.

خواجه عبدا... انصاری در ذیل آیه فوق چنین می گوید: «فَأَسْقَطِ اسْمَ الظُّلْمِ عَنِ التَّائِبِ» (خواجه عبدالله، باب توبه) (نام ظلم را از توبه کننده نفی کرده است)

منظور آن است که هر کسی که توبه کند ظالم نیست و مفهوم حصر آن است. تکالیف فرد مکلف به دو صورت است یا باروح مکلف سازگار و موافق است یا با مخالفت توأم است در هر مرحله ای که به انسان تکلیف می شود با یکی از دو حالت مواجه است آنجا که موافقت هست به او امر الهی رو می کند تائب نامیده می شود. آنجا که مخالفت از اوامر و نواهی الهی است ظالم می نامند. تائب به حق می نگرد و ظالم به نفس خود. از آنجا که سالک پیوسته از مخالفت به موافقت سوق دارد و بتدریج خواست خداوند متعال را بر خواست نفس خود ترجیح می دهد دائماً در حال توبه می باشد تا به مقام فناء که تسلیم نفس است برسد.

صوفیه توبه را از اولین مقامات و نخستین قدم سلوک و مقدم بر خلوت و مجاهدت و انواع دیگر ریاضات می دانند. (اللمع، ص ۴۳)

جنید بغدادی گفته است «توبه را سه معنی است: اول ندامت، دوم عزم بر ترک

معاودت، سوم خود را پاک کردن از مظالم و خصومت» (ابوسعید، اسرار التوحید، باب دوم) سهل بن عبد... گفته است: «اول توبه اجابت است، پس انابت است پس توبه است پس استغفار. اجابت فعل بود و انابت به دل و توبه به نیت و استغفار از تقصیر» (تذکره الاولیاء، ص ۳۷۱)

یحیی بن معاذ گفته است: علامت توبه سه چیز است: کم خوردن از بهر روزه و کم خفتن از بهر نماز و کم گفتن از بهر ذکر حق تعالی (همان، ص ۴۴۶)

در تکمیل معنای توبه حدیثی از امام جعفر صادق (ع) آمده است: «التَّوْبَةُ حَبْلٌ أَسْوَأُ مِنْ حَبْلِ الْوَبْرِ وَ لَا يَبْدُ لِلْعَبْدِ مِنْ مَدَاوِمِهِ التَّوْبَةَ عَلَى كَلِّ حَالٍ» (مجلسی، ج ۶، ص ۳۱) (توبه ریسمان الهی است و آویز عنایت او و بنده را گریز و گریزی از توبه همیشگی و در همه احوال نیست.)

تو یقین می‌دان که صد عالم گناه از تف یک توبه برخیزد زراه

(مثنوی، دفتر ۴، ص ۳۲۷)

تشخیص گناه

امام علی بن الحسین (ع) در مناجات التواین می فرماید: «خدا یا خطا و گناهان مرا لباس خواری و ذلت پوشانده است و دوری تو، جامه بی نوایی بر تنم کرده است و مرا دل مرده ساخته است ای خدا با قبول توبه این مرده دلم را زنده گردان.» (قمی، مفاتیح الجنان، مناجات خمس عشر)

مکلف تا وقتی که حقیقت گناه را نشناسد و نداند که کاری را که انجام داده است با فرمان خدا مخالف است بازگشت از گناه در مورد او معنا ندارد در نتیجه توبه محقق نخواهد گردید. به همین جهت خواجه عبدالله انصاری می گوید: «وَالْتَّوْبَةُ لَا تَصِحُّ إِلَّا بَعْدَ مَعْرِفَةِ الذَّنْبِ» (خواجه عبدالله، منازل الشاکرین) (توبه صحیح نیست مگر بعد از شناخت گناه)

انبیاء الهی از طرف خداوند متعال مأموریت داشته اند تا خواست حق را به خلق برسانند و کتابهای آسمانی به همین منظور نازل گردید تا مردم صواب را از خطا تشخیص

دهند و خوب و بد را بشناسند . قال ... تَعَالَى : «فَالهَمَّا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (الشمس/۸) (و به امر و به او شرّ و خیر را الهام کرد.) شخصی که مرتکب گناه در خطا می شود از بعد الهی و معنوی دور شده و از مقام عصمت پائین می آید.

قال ... تَعَالَى : «مَنْ يَعْتَصِمُ بِاللَّهِ فَقَدْ هَدِيَ إِلَى صِرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ» (آل عمران/۱۰۱) (آن کسی که به خدا چنگ زند پس براستی که به راه راست راه یافته است.) بنابراین اگر انسان به خدا پناه نبرد گمراه می شود و بر عکس اگر به او چنگ زند پس خداوند عالمیان بهترین پناهنده است براستی که به راه مراتب ره یافته است.) بهترین پناهنده است. و هر کس که از طیف عصمت خارج شود گناه کرده است و هر غیر معصومی تا به معصوم پیوند نخورد گناهکار است.

قال ... تَعَالَى : « إِنَّمَا يُرِيدُ... لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطْهَرِكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳) (هر آینه خداوند خواسته است که پلیدی را از؟ بزدايد و شما را پاک سازد.)

انبیاء پل ارتباطی بین مردم و خداوند متعال بوده اند و همگی مقصدالقول بر ترک گناه و انجام اعمال صواب تأکید داشته اند در تمامی آیات و روایات از طرف انبیاء رسل و اولیاء طاهرين جهت تشخیص مردم در امور محوله شرعی آنان می باشد.

رسول اکرم (ص) می فرمایند: « أَحْذَرُ مَكْرَ الْخَطَايَةِ فَإِنَّ لِلْخَطِيئَةِ مَكْرَ كَسْرِ الْشَّرَابِ بَلْ هَلْ أَشَدُّ شَكْرًا مِنْهُ » (مجلسی، ج ۷۷، ص ۱۰۳) (از مستی گناه پرهیز چه گناهی می خوری و مستی است چون مستی شراب و بلکه از آن سخت تر است)

بنابراین بسیار روشن و آشکار است که شناخت گناه برای سالک یعنی آنچه باعث درستی عزم بازگشت از گناه می باشد که از لوازم توبه است ضروری است .

لذا عرفا تشخیص گناه را از ضروریات و مقدمات راه سالک در مراحل و منازل پیش رو واجب می دانند و آنرا از لوازم مقام توبه بشمار می آورند.

شرایط توبه

عرفا وقوع توبه را به سه چیز وابسته می دانند : پشیمانی قلب ، عذرخواهی زبان که

باید در پیشگاه خداوند گناهان خویش را به زبان آورد و بسیار استغفار کند و سوم اعضاء و جوارح انسان به طور جدی از گناه فاصله بگیرد و آنان معتقدند که بدون وجود این سه شرط توبه متحقق نخواهد گردید.

رسول اکرم (ص) می فرماید: «خیر الاستغفار عندا... النوم و الاقلاع» (تنبيه الخطا، ص ۳۶۲) (بهترین آموزش طلبی نزد خداوند پشیمانی و فاصله گرفتن از گناه است)

ندامت، اعتذار و اقلاع را سه شرط اساسی برای توبه می دانند چنانچه خواجه عبدالله انصاری می گوید: «شرایط التوبه ثلاثه اشياء الندام و الاعتذار و الاقلاع» (خواجه عبدالله، مازل السائرین)

در حدیثی از امام علی (ع) آمده است: «التوبه علی اربعه و دعائم ندم بالقلب و استغفار بالاسان و عمل بالجوارح و عزم علی ان لا یعود» (مجلسی، ج ۷۸، ص ۸۱) (توبه را چهار رکن است، پشیمانی در دل، آموزش خواهی با زبان، عمل به اعضاء و جوارح و قصد بر عدم بازگشت به گناه) با کمی دقت به این کلام زیبای امام (ع) به این نتیجه خواهیم رسید که ائمه اطهار عصمت و طهارت (ع) بر تمامی معنای و معارف ابلاغ شده از سوی وحی و شریعت خداوندی آگاهی و وقوف کامل داشته اند درک مطالب و تفسیر آنان تنها از عهده ایشان بر می آید عرفا نیز مانند سایر شاخه های علوم اسلامی به روایات گهربار ائمه عصمت و طهارت تمسک نموده اند.

حقایق توبه

حقیقت هر چیز بنیان آن چیز است که وجودش به آن محقق است عرفا معتقدند که اساس توبه حقایقی دارد برای نمونه یکی از آن حقایق این است که انسان گناه خویش را بزرگ شمار.

حضرت امام علی (ع) می فرماید: «اعظم الذنوب عندا... ذنب صفر عند صاحبه» (آمدی، ص ۳۹۰) (بزرگترین گناهان نزد خداوند گناهی است که انجام دهنده آن

کوچکش بشمارد.)

عرفا معتقدند چنانچه اگر گناه هر چند کوچک باشد انسان آنرا بزرگ نداند و پشیمان نمی شود در حالیکه پشیمانی شرط توبه است. از طرفی دیگر اگر چیزی را زشت نداند در نتیجه در بازگشت از آن عزم خود را جزم نمی کند، هیچ گناه صغیره ای را نباید کوچک شمرد زیرا روشن نیست که کدام گناه بیشتر موجب خشم خداوند می شود. چنانچه از امام المتقین علی (ع) (همان) روایت است که: «خداوند چهار چیز را در چهار چیز پنهان کرده است: نخست آنکه خشم خویش را در گناهشان پنهان ساخته است دوم آنکه خشنودی خویش را در طاعات و عبادات مخفی کرده است سوم اجابت خویش را در دعاها پنهان نموده است.» بنابراین نمی توان فهمید کدامین گناه بیشتر خشم خدا را باعث میشود و یا هیچ کار خوبی را نباید کوچک شمرد و نباید هیچ دعایی را در هیچ لحظه ای کوچک شمرد. «و چهارم آنکه دوستان خدا در میان مردم پنهانند.»

بنابراین نباید به هیچ یک از بندگان خدا به دیده تحقیر نگریست.

از دیگر حقایق توبه آن است که انسان اعتقاد به نادرست بودن توبه خود داشته باشد زیرا حق توبه را چنانچه سزاوار است نمی توان بجا آورد.

در تاب توبه چند توان سوخت همچو عود می ده که عمر بر سر سودای خام رفت دیگر از حقایق توبه که عرفا به آن معتقدند این است که توبه کننده از هر کس که در حق او ستمی روا داشته یا گناهی مرتکب شده است پوزش بخواهد و غیر از خودش از همه کس عذرخواهی کند و نفس خود را در انجام دادن گناه بدترین مردم ببیند.

از پیرمردی نخعی نقل شده است: (کلینی، ج ۲، ص ۳۳۱) که به خدمت امام ابو جعفر (ع) عرض کردم «من از زمان حجاج تا کنون والی بوده ام آیا توبه شامل حال من می شود؟ می گوید: امام سکوت فرمود و چون دوباره از حضرتش پرسیدم فرمود: توبه شامل حال تو نیست مگر آنکه حق هر صاحب حقی را به او بازگردانی»

خواجه عبدالله انصاری در منازل الشائین می گوید: (خواجه عبدالله، منازل السائین) «حقایق التوبه ثلاثه شیاء: تعظیم و الجنایة و التهام و التوبه و طلب اعزاز الخلیفة»

(حقیقت توبه سه چیز است: بزرگ دانستن جرم و درست ندیدن توبه و پوزش طلبی از مردمان) حضرت امام زین العابدین در مناجات خمس عشر می فرماید: (قمی، مناجات خمس عشر) «ای مقصد و مقصود و مطلوب و آرزوی من قسم بعزّتت که من کسی را که گناهانم را ببخشد غیر تو نمی دانم» در همین دعا در قسمت دیگری می فرماید: «اگر استغفار و طلب آمرزش کردن موجب محو گناه است من از آمرزش طلبانم.»

ائمه معصومین عصمت و طهارت سفینه نجات مردمند و تمسک به آنان گره گشای گره هایی که فهم و درک مردم از گشودن آن عاجزند چنانچه می بینم عرفا، ادبا، فقها، فلاسفه و همه اندیشمندان اسلامی و حتی غیر مسلمان به شیوه زندگانی این معصومین پناه برده اند و استخراج مطلب رهنمای ایشان برگرفته از روایات معصومین و قرآن می باشد.

در عصمت و طهارت در منتهی وحدت

در این سرای فانی در آن جهان باقی

که این تارک فیکم الثقلین

بود هادی کند ما را هدایت

اسرار و بوطن توبه

عرفا معتقدند برای توبه اسراری است که آنرا وجوه پنهان و نهان می دانند. اول پارسایی و پرهیزکاری از عزت، سالک تقوا را از مقام و منزلت والا در بین مردم جدا میکند زیرا بسیاری از مردم از روی ریا توبه می کنند و برای به دست آوردن جاه، حشمت و مقام میان همدیگر روی به توبه می آورند و از مخالفت فرمان خدا دوری می کنند در نتیجه صورت تقوا و توبه به خود میگیرند.

توبه کننده باید نیت خود را برای خدای تعالی ناب و خالص سازد، عرفا دومین وجه نهانی از بوطن توبه را فراموش کردن گناه می دانند منظور اینکه برای صفا بخشیدن به وقت حضور در پیشگاه خداوند متعال توبه کننده باید چنان از گناه فاصله بگیرد که گویی هرگز گناهی نکرده است.

گفته اند: « ذکر الجفا حال الصفاء جفائر» (ذکر جفا در حال صفا خود جفائی است. گناه از جانب بنده نسبت به معبود یک نوع جفائر است. در حال صفاء ذکر گناه خود گناه دیگری است.)

از امام محمد باقر(ع) نقل شده است که: «التائب من الذنب کم لایزنب له» (مجلسی، ج ۶، ص ۴۱) (توبه کننده از گناه چه کسی است که گناهی ندارد.)
سالک وقتی توبه کرد و توبه او هم حقیقی بود او از گناهان پاک می گردد و علامت پاکی شرح صدر و پاکی قلب است که مورد عنایت خاصه حق قرار گرفته است به عبارت دیگر یاد خداوند متعال باید همه چیز حتی گناهان را از یاد نبرد.

هرچند غرق بهر گناهم زشش جهت تا آشنای عشق شدم زاهل رحتم
اما عرفا راز سوم را از اسرار و بواطن توبه، توبه از توبه می داند: چرا که پرداختن و توجه به خدای تعالی یاد گناه را منتفی می کند.

قال ... تعالی: «و توبو الی ... جمیعاً ایها المومنون» (نور/۳۱) (ای گروه مومنان همگی به جانب خدا توبه کنید)

بنابراین حضرت حق دستور داده است که توابان باید از توبه خود نیز توبه کنند. سالک در مدت سلوک حالات مختلف دارد وقتی توبه ای پیش می آید سالک می بیند توبه های قبلی او همه جنبه نفسانیات داشته و همه باطل بوده است در این موقع است که از همه آن توبه ها توبه می کند.

قال رسول ... (ص): «التوبه ما قبلها» (نوری، ج ۲، ص ۳۴۸) (توبه همه پیشینه بد تائب را از میان می برد.)

خواجه عبدالله انصاری در منازل السائرين جهت اسرار توبه سه رمز را به آنها اشاره شده است را کاملاً بیان نموده است. قال ... تعالی: «ثم تاب عليهم ليتوبوا ان ... هو التواب الرحيم» (توبه/۱۱۸) خداوند لطف نمود تا توبه کنند که خداوند بسیار توبه پذیر است و در حق خلق مشفق و مهربان است.

درجات توبه

عرفا توبه را از نظر توبه کنندگان دارای درجاتی می‌دانند. توبه عالی پایین‌ترین درجه توبه می‌باشد این نوع از توبه خود دوستی است.

قال ... تعالی: «الا من تاب و آمن و عمل عملا صالحا فاولئك يبذل الله سيئاتهم حسنات» (فرقان/ ۷۰) (اگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و کار نیکو کنند که ایشانند که خدا بدیهایشان را به نیکی مبدل می‌کند).

بنابراین بدیههای این گروه در اثر توبه به نیکی مبدل می‌شود و خود توبه و شرایط و لوازم و همه آنچه از توفیقههای الهی که به دنبال توبه برای انسانها حاصل می‌شود خود نیکیهای دیگر است که باعث دوچندانی حسنات ایشان میشود. و بنای این سخن که توبه عام در جهت افزون طلبی در طاعت است در ذیل این آیه معنا می‌یابد اما این افزون خواهی در نزد خواص نوعی بی ادبی و به دور از آداب بندگی است.

گناه اگر چه نبود اختیار، حافظ تو در طریق ادب کوش گو گناه من است (دیوان حافظ)
اما توبه اوسط عرفا همان حال میانه حالان در سیر و سلوک است که احکام الهی را بر خود نافذ می‌داند و در مورد خویشتن به حکم و فرمان او می‌نگرند و از آنجهت که نفس خویش در آنچه می‌کنند گناهی نمی‌بینند با گناه انس گرفته و در گرداب دوری افتاده اند.

خواجه عبدا... انصاری در منازل الشائین می‌گوید: «توبة الاوساط من استقلال المعصية و هو عين الحربة و المبارزة و محفى التوبين؟ ولا؟ للقطيعة» (خواجه عبدالله، منازل الشائین) (توبه میانه حالان از کوچک شمردن نافرمانی است و این عین گستاخی و جسارت در برابر خدا، و صرف تدین است از جهت جانبداری خویش، انس گرفتن به بریدن و دور بودن است)

بنابراین می‌توان گفت بر تمام ایشان توبه واجب و ضروری است که این حالت خطری بزرگ است که ادامه آن نابودی است،

قال الامام الصادق (ع): (مجلسی، ج ۶، ص ۳۱) «هر گروهی از بندگان را توبه ای است

پس توبه پیامبران از نگرانی درونی و توبه برگزیدگان از نفس کشیدن و توبه دوستان از وسوسه های گوناگون و توبه ویژگان از پرداختن به غیر خدا و توبه عوام از گناهان است.»
امام درجات توبه را در این روایت بیان می نماید و این تقسیم قابل استفاده برای کسانی است که در این مورد تحقیق و تفحص می نمایند .

و اما عرفا درجه سوم توبه را توبه خواص می دانند . خواص به ارزش وقت توجه زیادی دارند زیرا تضعیف وقت سالک را از کمال و وصال دور می کند اگر وقت از دست رفت دیگر قابل برگشت نیست توبه خواص وقت حضور است از حق غافل نیستند و رو به نفس نمی کنند اگر حیانا غفلتی پیش آید و به نفس رو کنند فوراً توبه می کنند این توبه توبه خواص است.

قال رسول الله... (ص) : « توبوا الی الله... فانی اتوب الی الله... فی کل یوم مائة مره» (حرّ عاملی، ج ۱۱، ص ۳۶۷) (به سوی خدا توبه کنید که من هر روز صد بار توبه می کنم)
من آن نگین سلیمان بهیچ نستانم که گاه گاه بر او دست اهرمن باشد (دیوان حافظ)
(قلب نگین سلیمان است و نفس اهرمن اگر قلب بنفسی رو بیاورد نگین سلیمان به دست اهرمن افتاده است حافظ شیرازی نیز به این نکته اشاره دارد که قلب متوجه نفس گردد.)

مالک وقتی توبه اش به اعلی درجه از مراتب رسید یعنی از ماسوی حق توبه نموده است در حقیقت سالک تا مادامیکه توبه می بیند بکمال نرسیده است وقتی توبه را با وصول بمقام فنا به زمین بگذارد آن وقت بکمال مطلوب نائل گردیده است.
حدیث توبه در این بزمگه مگو حافظ که ساقیان کمان ابرویت زیند به تیر

مقام و جایگاه توبه در نهج البلاغه

الف) معنای توبه: «لا شفیع النجیح من التوبه و لا کنز اغنی من القناعه» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۷۱) (شفیع با نفوذ تراز توبه و گنجی بی نیاز تر از قناعت نیست.) با کمی دقت در متن این حدیث گرانقدر متوجه خواهیم شد که امام توبه را باب الابواب و

سرمنزل همه منازل می داند زیرا اول چیزی که سالک در راه طریقت و رسیدن به مقام قرب باید آن را طی کند مقام توبه است.

اساس توبه که در محکمی چو سنگ نمود بین که جام زحاجی چه شکست (دیوان حافظ)
قال امام صادق (ع): «التائبون العابدون» (تذکره الاولیاء، ص ۱۷) عبارت بدون توبه معنا ندارد زیرا خدای تعالی توبه را بر عبارت مقدم نموده است و از این جهت است که افراد آلوده به گناه جز از راه توبه پاک نمی شوند.

آنچه عرفا در معانی مختلف برای توبه آورده اند حضرت امام علی (ع) در جمله زیبایی بالا تمامی آن معانی بلکه عمیقتر از آن را با تعبیر توبه به شفیح به زیبایی بیان نموده است.

ب) توبه سودمند: «فاعملوا العمل مرفع و التوبة تنفع والدعاء سمیع» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰) (عمل کنید تا وقتیکه عمل بالا می رود و توبه نفع می بخشد و دعای شما شنیده میشود).

بر طبق تعالیم دینی و آسمانی دنیا محل عمل و آخرت محل نتیجه عمل انسان است انسان باید در دنیا تلاش کند تا در قیامت سود خود را ببیند و توبه مخصوص این دنیا است که موانع را بر می دارد و عمل انسان بالا می رود و عمل او سنجیده می شود و اگر بر اساس موازین شرعی و طبق دستور الهی باشد ارزشمند و سودآور است و فقط در این جهان است که توبه، در رفع موانع سودمند و علت قبولی اعمال می گردد.

توبه برای تبدیل شیات به صنات نافع است از منافع توبه میتوان به موارد زیر اشاره نمود: ۱- محبوبیت نزد خدا ۲- طول عمر ۳- نزول رحمت الهی ۴- تطهیر قلب ۵- رفع بلا ۶- استجاب دعا و غیره.

امام علی (ع) می فرمایند: «من اعطی التوبه لم یحرم القبول و من اعطی الدعا لم یحرم الاجابة» (همان، کلمات قصار، ۱۳۰) (کسی که توفیق توبه پیدا کند از قبول محروم نمی شود و کسی که توفیق دعا در دنیا به او داده شود از اجابت محروم نمی ماند).

از سخنان پرگهر امام علی (ع) در چند جای از کتاب نفیس نهج البلاغه توبه به همراه دعا آمده است امام توبه را نوعی دعا می داند و یا همسنگ آن، همچنانکه دعا یکی از

ابواب رحمت الهی است توبه نیز از ابواب رحمت الهی است.

ج: برکات توبه:

«و لاخیر فی الدنیا الالمرجلین رجل اذنب ذنوباً فهو یتدارکها بالتوبه و رجل سارغ فی الخیرات» (همان، کلمات قصار، ۱۳۰) (در دنیا برای دو گروه خیر و نیکی هست کسی که گناهی کرده و می خواهد با توبه جبران کند و کسی که با سرعت به کارهای نیک مشغول است).

تو یقین می دان که صد عالم گناه از تف یک توبه برخیزد زراه (عطار نیشابوری) امام علی (ع) توبه را نشان راه و کلید گنجی عظیم می داند و خیر و برکت را برای کسی که توبه می کند از جانب خداوند به سوی تائب می داند انسان باید در کار خیر سرعت و سبقت بگیرد و طاعت خود را کوچک شمرد تا خود را همیشه مستلزم توبه بداند.

د: شرائط توبه:

و قال (ع): « اقاتل قال بحضرتہ استغفرا... تلکتک امک اندری مالاستغفار؟ الاستغفار درجۃ العلیین و هو اسم وقع علی سته معان اولها الندم علی ما فسی والثانی العزم علی ترک العود ابدأ والثالث ان تودی الی المخلوقین حقوقهم حتی تلقی... املسی لیسی علیک لتبقة و الرابع ان تعمد الی کل فرضیه علیک ضعیتها حقها» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۴۱۷)

(امام به کسی که در حضور ایشان از روی غفلت و بی خبری استغفار می گفت فرمودند که آیا می دانی استغفار چیست؟ استغفار مقام انسانهای بلندمرتبه است و آن نامی است که شش شرط دارد: ۱- ندامت از گذشته ۲- تصمیم بر اینکه گناهان را برای همیشه ترک نمایی ۳- حقوقی را که از مردم ضایع کرده ای و از بین برده ای به آنها بازگردانی ۴- هر واجبی را که از تو فوت شده آنرا به جا آوری ۵- گوشتهایی که از حرام روئیده با اندوه به گناه آب کنی تا چیزی از آن نماند و گوشت تازه بروید. ۶- به همان اندازه که

شیرینی گناه را چشیدی زحمت طاعت را نیز بچشی پس از این مراحل بگو استغفرا...
امام علی (ع) این نکته را گوشزد می کند که توبه از مقولات لفظی نیست که هر
کس بدون توجه به معانی آن آنرا بر دهان بیاورد بلکه توبه حالات روحی برای تائب است
که استغفرا... بیان آن حالات است.

تازه کن ایمان نه از گفت زبان ای هوا را تازه کرده در نهان
تا هوا تازه است ایمان تازه نیست کاین هوا جز قفل آن دروازه نیست

از مثنوی معنوی

از دیدگاه امام علی (ع) تائب باید مراتب و موانع دنیوی و حتی عقبی را جهت
رسیدن به رضایت الهی از سر راه بردارد.

قال علی (ع) : «فاتقوا... تقیه من سمع فخشع ... و زجر فاز؟ و اجاب فاناب و راجع
فتاب» (همان، خطبه ۸۳) (تقوا پیشه کنید، تقوای کسی که چون شنید احساس مسئولیت
کند و خشوع نماید و چون از نافرمانی او را باز دارد، باز ایستد و دعوت حضرت حق را
اجابت کند در نتیجه باز گردد و چون رجوع نمود توبه کند.)

امام علی (ع) در این حدیث زیبا اشاره دارد که تقوا با درجه بالای آن اختصاص به
کسی دارد که وقتی شنید علم پیدا کند احساس مسئولیت کند و به فرمان حق ارج نهد و
خشوع کند و تمامی قوای او مطیع فرمان الهی گردد: دعوت حق را بپذیرد و از غیر حق
توبه کند و به رحمت الهی امیدوار باشد.

خ) وسوسه های شیطان در تأخیر توبه :

«والشیطان موکل به؟ له المعصیه لیرکبها؟ التوبه لسوفها» (همان، کلمات قصار، ۶۴)
(شیطان همیشه مسلط و همراه انسان است، گناه و معصیت را پیش چشمش زینت می دهد
تا انسان مرتکب شود او را در آرزوی توبه نگاه می دارد، تا انسان توبه را تا زمانی که
مرگ در حال غفلت در برابرش آشکار شود، تأخیر اندازد.)

آنچه مسلم است این است که شیطان و شیطانیان با آدمی کینه دیرینه و دشمنی دارند
از اینرو مستمراً در کمین انسان است گناه را به چشم انسان زیبا جلوه می دهد تا انسان

دچار آن شود و از حق فاصله گیرد. به این شیوه او را در انتظار توبه نگه می‌دارد. تا عمر انسان به سر آید.

نتیجه در مقایسه

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: « من سید اولین و آخرینم و علی ابن ابی طالب سید اوصیاء من است. » او برادر و وارث و جانشین من است فرضیه است و پیروش فضیلت است و صحبتش وسیله تقرّب به خداست. (صدوق، مجلس ۸۵، حدیث ۲۳)

در میان تمام معرفت شناسان جهان پیشوای نخستین شیعیان به عنوان امام العارفین و قطب سالکین لقب گرفته است و عرفا راه خود را به او منتهی می‌دانند.

به حسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد.

ترا درین سخن انکار کار ما نرسد.

علی (ع) آن اعجوبه تاریخ است که همه استعدادها و ارزشهای انسانی را به منصفه ظهور رساند تا آنجا که پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «فانه ممسوسٌ و فی ذات ا...» (حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۸) (او شیفته و بی قرار ذات خداوندی است).

علی آن عارفی است که از ناله یتیمی منقلب می‌شد و نان مستمندان را بر دوش می‌کشید اما در برابر کفار می‌ایستاد و شمشیر می‌کشید.

جُمعت فی صفاتک الاضداد فلهدا عزت لک الانداد (دیوان محی الدین، ص ۸۲)

(ای علی، در صفات تو اضداد جمع است و به خاطر همین برای تو مثل و نظیری کم خواهد بود.)

بدون شک سرچشمه بسیاری از علوم از جمله عرفان قرآن است، مفسران واقعی این کتاب آسمانی پیامبر (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت می‌باشند و عرفا در طول تاریخ اسرار حق را از آن واسطه های فیض الهی خصوصاً حضرت علی (ع) آموخته اند. تمام کتابهای عارفان در واقع شرح و بسط کلمات علی (ع) است. و خود عرفا اذعان دارند که احادیث عارفانه علی (ع) الهام بخش سلوک نظری و عمل ما بوده است. علی (ع) پدر عرفان و اساساً آن امام همام پدر تمامی علوم اسلامی است. قال علی (ع): « لو کشف

اغظا ما از درت یقیناً» (ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۰۳) (اگر پرده برداشته شود بر یقین من افزوده نشود). عمر بن خطاب می گوید: از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمودند: «اگر هفت آسمان و هفت زمین در یک کفه ترازو گذاشته شود و ایمان علی در کفه دیگر ایمان علی فزونی خواهد داشت.» (صافی، ص ۲۰)

محمی الدین عربی در مقام و منزلت قرب معنوی امام العارفین می گوید: «نزدیکترین مردم به پیامبر اسلام (ص) علی بن ابیطالب است که اسرار همه انبیاء با اوست.» (فتوحات، ج ۱، ص ۱۱۶)

در یک مقایسه ساده بین نظرات عرفا در باب توبه و دیدگاه نورانی امام در نهج البلاغه به جرأت میتوان گفت امام بر تمامی مضامین عرفانی در حد اعلای خود اشراف داشته است آنچه عرفا در طول تاریخ شکل گیری عرفان اسلامی با ریاضت و رنج مضاعف آنرا کسب نموده اند سرچشمه آن، امام علی (ع) است نهج البلاغه گویای بخشی از شخصیت والای امام العارفین است.

گرچه امام معصوم هرگز خطا و گناهی از او سر نمی زند تا اینکه توبه نماید اما امام آنچه در باب توبه سخن فرموده است که گویا او یک انسان گناه کار بوده که توبه راستین نموده است و ؟ گناه و بازگشت از آنرا خوب میدانند.

معصوم توبه ندارد بلکه توبه معصوم توبه خواص الخواص است که:

الحسنات و الابرار شیات المقربین

هوالتبکاء فی الحراب لیل

هو الضحاک اذا اشتد القراب (سفینه البحار، ج ۱، ص ۸۶)

اوست که در محراب شب بسیار گریان است و در میدان نبرد بسیار خندان.

از خداوند متعال میخواهیم ما را به توبه صحیح و مقبول و بازگشت به معنی کلمه، موفق بدارد و از رهروان آن حضرت قرار دهد.

نذر ما را با وفا پیوسته دار عهد ما را از کرم دار استوار (مثنوی، دفتر سوم)

فهرست منابع

۱. قرآن مجید
۲. شریف الرضی، محمدحسین، نهج البلاغه حضرت امام امیرالمومنین، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۶
۳. میبدی، رشیدالدین ابوالفضل، «کشف الاسرار»، ۵۲۰ هجری قمری
۴. سجادی سید جعفر، «فرهنگ و اصلاحات و تعبیرات فانی»، انتشارات طهوری فرهنگ
۵. قمی حاج شیخ عباس، «مفاتیح الجنان»، ترجمه مصباح المتهجد"
۶. انصاری خواجه عبدالله، «شرح منازل السائرين» بر اساس شرح عبدالرزاق کاشانی، انتشارات الزهراء
۷. جرجانی شریف، «التعريفات» چاپ ابراهیم ابیاری، بیروت ۱۴۰۵
۸. مقامات معنوی چاپ دوم ۱۳۵۴
۹. مولوی بلخی جلال الدین، «مثنوی معنوی»، انتشارات بهزاد - فروزانفر، چاپ سوم ۱۳۷۱
۱۰. سراج طوسی ابونصر، «المع فی التصوف»، ترجمه دکتر مهدی محبتی، تهران. انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲
۱۱. حلبی علی اصغر، «مبانی عرفانی» انتشارات اساطیر چاپ دوم ۱۳۷۷
۱۲. کلینی محمدبن یعقوب «اصول کافی» دارالکتب الاسلامیه
۱۳. عطار فریدالدین، «تذکره الاولیاء» دکتر محمد استعلامی، انتشارات زوار، ۱۳۴۶
۱۴. عماری تمیمی، عبدالواحد، «غرورالحکم و درورالحکم» تصحیح سیدمهدی رجائی،

- قم، دارالکتب الاسلامی ۱۴۱۰ (ه ق)
۱۵. منظوم «نهج البلاغه» انتشارات امید مجد چاپ اول ۷۹
۱۶. ابی الخیر شیخ ابوسعید «اسرار التوحید» آقای دکتر صفا
۱۷. مجلسی محمدباقر، «بهار الانوار»، داراحیاء ۱۴۰۳ ه. ق.
۱۸. حر عاملی شیخ محمدحسن «وسائل الشیعه» کتاب التجاره
۱۹. مجلسی محمدباقر، «حلیه الاولیا»
۲۰. ابن عرقبی «فتوحات الحکیه» طبع مهر
۲۱. مجلسی محمدباقر «سفینه البحار»
۲۲. هجویری علی بن عثمان «کشف المحجوب» انتشارات سروش
۲۳. دیوان حافظ شیرازی

Archive of SID